

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »
۲۷ نومبر ۲۰۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم وصیت امام احمد بن حنبل برای پسرش در روزی عروسی وی !



خوانندگان محترم !

باخوشی، حضور و جمع و جوش دوستان و اقارب محفل ولیمه (پسر امجد سعیدی) به روز جمعه مؤرخ اول سپتمبر سال ۲۰۱۳ در شهر هورت-کولن - جرمنی بر پا شد. در این محفل خوشی بر علاوه حضور اقارب و دوستان هردو فامیل تعداد کثیری از دانشمندان و علمای دینی اشتراک ورزیده بودند. تلاش داشتیم تا این محفل به علاوه خوشی، شور و لذت مشروع ولیمه به یک تجمع تنویری، ادای رسالت و دعوت مبدل گردد.

این محفل با تلاوت قرآن عظیم الشان و بیانات دینی دانشمندان و علمای جلیل القدر هر یک مولوی عبدالرؤف (صافی) و مولوی صاحب محترم سادات، مطابق برنامه یک محفل علمی، تنویری و دعوت را به خود گرفت. در این محفل در مورد مفهوم ولیمه، نکاح در اسلام، مفاهیم و تفصیل در مورد تدویر مجالس نکاح به طریقه

اسلامی بیانات ارزشمندی ارائه گردید. در ضمن در این محفل وصایای ده گانه امام احمد بن حنبل برای پسرش در روز عروسی فرزندش برای اشتراک کنندگان نیز بیان گردید. بابت اهمیت این بیانات و مرجع بودن این وصایا برای سایر جوانان را که خاصاً به زندگی جدید مشترک فامیلی می پردازند، ذیلاً خدمت شما پیش کش و ارائه می داریم تا شود این وصایا مرجع و رهنمای خوب برای پسر امجد سعیدی و سایر جوانان گردیده و این هدیه را از جانب من قبول بدارند.

ضرورت دیدیم قبل از پرداختن به وصایای امام احمد بن حنبل (رح) به پسرش، مختصر در مورد شخصیت امام احمد بن حنبل (رح) معلومات مختصر ارائه بداریم.

امام احمد بن حنبل (رحمة الله) (۲۴۱-۱۶۴ هجری) در شهر بغداد متولد گردید و در همان شهر از جهان فانی به جهان ابدیت پیوست.

سیرت نویسان در مورد احمد حنبل می نویسند:

امام احمد یکی از فقیهان کثیرالسفر بود و برای فراگفتن علوم اسلامی و حدیث، به مراکز بس مشهور عملی آن زمان یعنی شهر شام (دمشق امروز)، حجاز (عربستان سعودی امروز)، یمن، کوفه و بصره (یکی از شهرهای عراق امروز) سفر کرده است.

مشهورترین کتاب این امام مشهور عالم اسلام به نام «مسند احمد حنبل - رح» در جهان اسلام شهرت دارد. **مسند احمد بن حنبل مجموعاً در شش جلد جمعبندی گردیده است.** مسند امام احمد از جمله گرانقدرترین و سودمندترین کتب حدیث به شمار رفته، محدثان پیشین و کنونی شهادت می دهند که این کتاب جامع ترین و گسترده ترین کتاب حدیث و سنت می باشد که فرد مسلمان برای مسائل دین و دنیایش به آن ضرورت دارد. این کثیر می گوید:

«هیچ کتاب مسندی به پای «مسند احمد» در کثرت مطالب و نیکویی نگارش و اسلوب نمی رسد.

حنبل می گوید: «پدرم من، صالح و عبدالله را یک جا جمع نمود و مسند را بر ما خواند و کسی جز ما آن را نمی شنید.»

همچنین می افزاید: «این کتابی است که آن را از میان هفتصد و پنجاه هزار حدیث گردآورده ام و هرگاه مسلمانان در مورد حدیثی از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- دچار اختلاف شوند به آن مراجعه نمایند، چنانچه آن را در آن جا یافتند خوب است، در غیر اینصورت دلیل و حجتی به حساب نمی آید.»

اما ذهبی می گوید: «این گفته ایشان به طور عام و کلی می باشد، وگرنه ما احادیث قوی را در «صحیحین» و «سنن» و دیگر بخش ها داریم که در مسند یافت نمی شوند.

فرزند امام احمد، عبدالله، اضافاتی را به آن افزوده است که جزو روایات پدرش نبوده اند و به زوائد عبدالله شهرت دارند. همچنین ابوبکر قطیع، که از عبدالله و او از پدرش روایت کرده است، خود اضافاتی را بدان افزوده است که جزو نوشته های عبدالله و پدرش نیستند.

تعداد احادیث مسند با احتساب موارد تکراری به حدود (۴۰۰۰۰) چهل هزار حدیث و بدون احتساب موارد تکراری به (۳۰۰۰۰) سی هزار حدیث می رسد. او علاوه بر کتاب مسند خود، کتابهای دیگری درباره ناسخ و منسوخ و تفسیر قرآن عظیم الشان و دیگر مسایل اسلامی به رشته تحریر درآورده است.

شیخ ابن قیم (رح) فتاوی امام حنبل (رح) را در بیست مجلد گردآوری نموده است. و یکی از معتبرترین کتابهای فتوا در جهان اسلام به شمار می رود.

امام احمد بن حنبل (رح) در مورد زندگی خویش می نویسد: هیچ از یاد نمی رود زمانی که طفل خورد سال بودم، در یکی از روزها صبح وقت پیش از نماز صبح برای کسب حدیث می خواستم به مسجد بروم، مادرم مرا صدا زد و از لباسم محکم گرفت و برایم گفت: صبر کن تا مؤذن اذان را بگوید.

مؤرخین می نویسند از امام احمد (رح) پرسیدند:

برای یک عالم دینی به چه تعداد از احادیث ضرورت است که یاد داشته باشد تا این عالم صلاحیت فتوا را به دست آرد. آیا به تعداد یکصد هزار حدیث کافی است تا از فرد فتوا گرفته شود؟

امام گفت: خیر.

گفتند دوصد هزار حدیث؟

امام جواب داد: خیر.

پرسید: سیصد هزار حدیث؟

امام گفت: خیر.

گفتند: چهار صد هزار حدیث؟

پاسخ داد: خیر.

گفتند: پانصد هزار حدیث؟

امام جواب داد: امیدوارم.

شیخ عبد الرزاق (رح) یکی از استادان امام احمد (رح) می نویسد:

هرگز کسی را داناتر (به احکام شرعی) و پارساتر از احمد ندیده ام.

در تواریخ آمده است:

اگر کسی را دیدی که امام احمد را دوست می دارد، بدانید که او طرفدار و صاحب سنت است.

امام شافعی (رح) که یکی از استادان امام احمد (رح) بود می نویسد:

از بغداد بیرون آمدم و در آن کسی را بهتر یا داناتر و عالم تر به علم دین از احمد بن حنبل (رح) برجای خود نگذاشتم.

یحیی بن معین می گوید:

مردم دوست دارند مانند احمد بن حنبل (رح) شوند! به خدا، هرگز. کار ما یا هیچ کس دیگر نیست که بتواند که چون

احمد بوده یا بر طریقه وی تاب آوریم..

مطابق روایات محدثین: امام احمد یک میلیون حدیث؛ مجموعه روایات و اسانید و طرق آن ها، را از حفظ داشت.

وصایای ده گانه امام حنبل (رح) به پسرش:

یابنی:

إِنَّكَ لَنْ تَنَالَ السَّعَادَةَ فِي بَيْتِكَ إِلَّا بَعَثَرِ خِصَالٍ تَمْنَحُهَا لَزَوْجِكَ فَاحْفَظْهَا عَنِّي وَاحْرَصْ عَلَيْهَا:

ای پسر کم:

البته تو هیچ وقت در خانه ات به سعادت و پیروزی نایل نمی شوی مگر به رعایت ده خصلت که به زوجه (زن) ات می

بخشی. این خصلت ها را حفظ کن حرص و تلاش بورز به آن .

أما الأولى والثانية:

فإنَّ النِّسَاءَ يَحِبُّونَ الدَّلَالَ وَيَحِبُّونَ التَّصْرِيحَ بِالْحُبِّ، فَلَا تَبْخُلْ عَلَى زَوْجَتِكَ بِذَلِكَ، فَإِنَّ بَخْلَكَ جَعَلَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا حِجَابًا مِنَ

الجفوة ونقصاً في المودة.

اول و دوم:

البته زن پیام آوران نکاح و اظهار محبت شوهر را دوست دارد، بر بخشش این دو بخل مکن، اگر بخل کردی در میان

خودت و وی حجاب از بی وفائی و نقصان از دوستی را ایجاد کرده ای.

وأما الثالثة:

فإنَّ النِّسَاءَ يَكْرَهُنَّ الرَّجُلَ الشَّدِيدَ الْحَازِمَ وَيَسْتَعْدِمَنَّ الرَّجُلَ الضَّعِيفَ اللَّيِّنَ فَاجْعَلْ لِكُلِّ صِفَةٍ مَكَانَهَا فَإِنَّهُ أَدْعَى لِلْحُبِّ

وَأَجْلِبِ لِلطَّمَأْنِينَةِ.

سوم:

البته زنان مرد سخت گیر و خشن را بد می پندارند به مردان ضعیف و نرم خوی خدمت می نمایند، برای هر کدام از آن صفات، جایگاهی اورا بساز، البته این عمل زیاد جذب کننده محبت و جالب برای اطمینان قلب می باشد.

وأما الرابعة :

فإنَّ النساءَ يحببن من الزوج ما يحب الزوج منهنَّ من طيب الكلام وحسن المنظر ونظافة الثياب وطيب الرائحة فكن في كل أحوالك كذلك.

چهارم:

البته زنان از شوهران خود چیزی را دوست دارند و می خواهند که، شوهران از زنان نیز می خواهند دوست دارند. مثلاً زیبایی ، حسن سخن، نظافت و پاکی لباس، خوش بوئی و در همه احوال مواصفات فوق را رعایت کن.

أما الخامسة:

فإنَّ البيت مملكة الأنثى وفيه تشعر أنَّها متربعة على عرشها وأنها سيدة فيه، فإياك أن تهدم هذه المملكة التي تعيشها، وإياك أن تحاول أن تزيجها عن عرشها هذا، فإنَّك إن فعلت نازعتها ملكها، وليس لملكٍ أشدَّ عداوةً ممن ينازه ملكه وإن أظهر له غير ذلك.

پنجم:

البته خانه ملك زنان است، چنین می پندارند که در تخت مملکت خود چهارزانو نشسته اند، البته ایشان رئیس مملکت اند، می ترسانم و منع می کنم تورا از این که منهدم بسازی جایگاهی را که ایشان در آن زندگی می نمایند، از زایل کردن عرش وی خود داری بکن. اگر اقدام به زوال ملك آن کردی البته به آن منازعت و جنگ و جدل کرده ای، هیچ منازعتی از دید دشمنی سخت تر از منازعت ملك نیست.

أما السادسة:

فإنَّ المرأة تحب أن تكسب زوجها ولا تخسر أهلها، فإياك أن تجعل نفسك مع أهلها في ميزان واحد، فإنَّ أنت وإمَّا أهلها، فهي وإن اختارتك على أهلها فإنَّها ستبقى في كمدٍ تُنقل غدواه إلى حياتك اليومية.

ششم :

زن دوست دارد که شوهر کسب و کار کند تا اهلش به فقر و ذلت مواجه نگردد. من می ترسانم تو را از این که خود را با سایر اعضای فامیل در یک پله ترازو مساویانه تول کنی ، یعنی جایگاه شوهر در کسب و کار درآمد اقتصادی و سایر امور زندگی نسبت به دیگران بیشتر بوده باشد، در صورتی که تو با همه اهلت در تأثیرات امور زندگی مساوی بوده باشی با وجود زن تو را بالای همه اهل خانواده خود ترجیح داده و حیات خود را با تو سپری نمود. در این صورت زن را به مشقت و تکلیف افکنده ای ، تا روزی که زنده است به تو عداوت خواهد کرد.

والسابعة :

إنَّ المرأة حُلقت من ضلعٍ أعوج وهذا سرُّ الجمال فيها، وسرُّ الجذب إليها وليس هذا عيباً فيها «فالحاجب زينه العوج»، فلا تحمل عليها إن هي أخطأت حملاً لا هوادة فيها تحاول تقييم المعوج فتكسرهما وكسرهما طلاقها، ولا تتركها إن هي أخطأت حتى يزداد اعوجاجها وتتوقع على نفسها فلا تلين لك بعد ذلك ولا تسمع إليك، ولكن كن دائما معها بين بين.

هفتم :

البته زن از قیرغه کج آفریده شده است ، این اسرار زیبایی و کششی که در او نهفته است ، این کجی براو عیب محسوب نمی گردد، چنانچه زیبایی ابرو در کج بودن آن نهفته است ، اگر زن درکارمحوه اش خطا کرد ، وی را به خاطر راست کردن بر مشقت و فشار مجبور نساز، اگر چنین کردی وی را شکستی ، شکست وی طلاق است.

زن را به خاطر اشتباهش از خود دور نساز و ترک مکن، اگر چنین کردی در کجی هایش افزودی ، وی بر نفس خود اتکاء می کند، با تو نرمی نمی کند، سخنانت را گوش نمی نماید، راه اعتدال را در حق آن اختیار کن.

أما الثامنة :

فإنَّ النساءَ جُبِلنَ على كُفر العشير و جُحَدان المعروف، فإنَّ أحسنت لإحداهنَّ دهرًا ثمَّ أسأت إليها مرة قالت: ما وجدت منك خيرًا قط، فلا يحملنَّك هذا الخلق على أن تکرهها وتنفّر منها، فإنَّك إن کرهت منها هذا الخلق رضيت منها غيره.

هشتم:

البته در سرشت خلقت زن کفران و ناسپاسی شوهر خمیر مایه شده است، این صفت آشکار است، اگر با یکی اینها زمان متمادی نیکی نمائی ، با اندک خطا و کمبودی که از تو دید می گوید، من هرگز از تو نیکی ندیده ام. این صفت زن تو را وادار بر این نسازد که وی را به چشم اهانت و نفرت بنگری، زیرا این خصلت تو را خفه سازد، صفت دیگرش تو را خوش خواهد ساخت.

أما التاسعة:

فإنَّ المرأةَ تمر بحالات من الضعف الجسدى والتعب النفسى، حتى إنَّ الله سبحانه وتعالى أسقط عنها مجموعةً من الفرائض التى افترضها فى هذه الحالات فقد أسقط عنها الصلاة نهائيا فى هذه الحالات وأنسا لها الصيام خلالهما حتى تعود صحتها ويعتدل مزاجها، فكن معها فى هذه الأحوال ربانیا كماخفف الله سبحانه وتعالى عنها فرائضه أن تخفف عنها طلباتك وأوامرك.

نهم :

البته زن روزگار حیات خود را به ضعف جسمی و تکالیف نفسی سپری می نماید، چنانچه پروردگار عالم ، در حین مواجه شدن زن بر چنین تکالیف، مجموعه ای از فرایض و واجباتی را که بروی لازم گردانده است ، ساقط می سازد، مثلاً نماز و روزه را از وی ساقط می نماید تا وقتی که بر صحت خود برگردد. تو نیز زن را در چنین حالات معذور بدار قسمی که پروردگارش معذور داشته است.

أما العاشرة :

فاعلم أن المرأة أسيرة عندك، فارحم أسرها وتجاوز عن ضعفها تكن لك خير متاع وخير شريك

دهم :

بدان زن نزد تو شباهت اسیر را دارد، بر اسیر خود رحم کن از ناتوانی هایش در گذر اگر چنین کردی زن بزرگترین سرمایه و بهترین شریک زندگی ات خواهد بود.

یادداشت:

در خاتمه این مقاله از استاد بزرگوار ودانشمند استاد غلام ربانی «ادیب» سپاسگزار هستم که در ترجمه رسا و شیرین متن عربی ده گانه فوق مساعدت خیر نموده اند. الله تعالی برای جناب شان و سایر دعوت گران حق اجر عظیم نصیب کند و برای ما در انتخاب روش اسلامی و سبک زندگی خویش همت و قوت اعطاء نموده و روانه راه حق و درست اسلامی که صلاح و فلاح دارین در آن نهفته است، قوت و قدرت اعطاء فرماید. آمین یارب العالمین. پایان

(مؤرخ : ۲۵/۱۱/۲۰۱۳)

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات سنتراتیویک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحوق لاره- جرمنی